

مادران اوتیسم

هیچ‌گاه از بودن فرزندم خجالت نکشیدم

● ایسنا: زهرا سادات مهاجری، مدیر شعب و دفاتر نمایندگی انجمن اوتیسم، مادر امین ۱۴ ساله، می‌گوید: کمی دیرتر از سایر مادران به اوتیسم‌بودن پی‌رم یی بردم؛ در طول این مدت فرزند اوتیسمی‌ام سختی‌های خاص خود را داشته است، اما بودن در کنار یک اوتیسمی شیرینی‌های خاص دارد که آن سختی‌ها را نآشنانی برای مادران و پدران فرزندان اوتیسمی بسیار سخت بوده و خانواده‌ها بیشتر عذاب می‌کشند؛ یک مادر زمانی که نگاه مردم و نوع رفتار آنها را در مواجهه با کودک‌ان اوتیسمی می‌بیند داغی بر دلش می‌نشیند که کسی جز او نمی‌تواند آن را حس کند. تلاش ما باید این باشد که بچه‌ها را از خانه بیرون آوریم و وارد جامعه کنیم تا جامعه با این بچه‌ها آشنا شود؛ خواهیم دید که این امر برای خانواده و فرزند اوتیسم چقدر خوب است **مادر سالار** می‌گوید: یک کودک اوتیسم به تنهایی قادر به انجام اعمال شخصی خود نیست؛ در هر محیطی که وارد می‌شود ممکن است به‌صورت ناخواسته حرکت‌هایی انجام دهد که برای دیگران قابل درک نیست؛ حتی ممکن است بدون اینکه بداند کارهای خطرناکی انجام دهد به همین دلایل باید همیشه در کنار فرزند اوتیسمم باشم تا خدای‌نکرده بلایی بر سرش نیاید. خانواده‌های اوتیسمی با داشتن حوصله و باری مری‌های آموزشی می‌توانند تا حدی به زندگی فرزندان خود کمک کنند.

مادر هادی می‌گوید: فرزندم در ابتدای کودکی مشکل ذهنی داشت و نمی‌توانست راه برود و تشنج می‌کرد اما بعدها با انجام کاردرمانی و فیزیوتراپی توانست راه برود ولی از لحاظ ذهنی تاکنون فرقی نکرده است. فرزندم از ابتدای کودکی در مراکز اوتیسمم آموزش می‌بیند. هادی با بهره‌مندی از آموزش‌هایی چون کاردرمانی، گفتاردرمانی و آموزش‌های ذهنی در این سال‌ها پیشرفت بالایی داشته است و اکنون نیز در مرکز انجمن اوتیسم آذربایجان که برای فرزندان بالای ۱۴ سال است، آموزش می‌بیند. ۲۰ سالم بود که هادی را به دنیا آوردم؛ در آن موقع تاکنون در تمامی مراحل زندگی فرزندم در کنارش بودم و تا جایی که در توانم بوده کمکش کردم و تا زمانی که جان در بدن دارم تلاشی می‌کنم تا فرزندم بهتر شود. هیچ‌گاه از بودن فرزندم خجالت نکشیدم و فرزندم را همراه خود به بیرون و اماکن و محیط‌های مختلف می‌برم؛ خانواده‌های کودکان اوتیسم نباید فرزندان خود را مخفی کنند بلکه فرزندان ما باید وارد جامعه شوند.

اما واقعیت این است که مادران فرزندان اوتیسمی مشکلات فراوانی در جامعه دارند و از طرفی خانواده‌ها در بعضی مواقع می‌مانند که چه کنند؛ باید حداقل مکانی باشد تا بتوان فرزندان را به دست آنها سپرد. جامعه با فرزندان اوتیسمی رفتار خوبی ندارد. جامعه باید اوتیسم را بشناسد تا فرزندان با خیال راحت در خیابان‌ها و اماکن مختلف شهر بتوانند قدم بزنند.

گزارش

گیلان از بحران خارج شد؟

● درحالی‌که گزارش‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی همچنان از دردست‌رس نبودن امکانات اولیه زندگی در برخی مناطق گیلان خبر می‌دهند، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور اعلام کرده که گیلان از وضعیت بحرانی خارج شده است. به‌عنوان نمونه‌ای از این تناقض‌ها، اسماعیل نجار در گفت‌وگویش با ایسنا گفته است: «با اقدامات انجام‌شده، در‌حال‌حاضر عمده راه‌ها، اعم از اصلی و روستایی باز شده و در محورهای اصلی نیز سرعت تردد افزایش یافته است». همین یک قلم مورد نقضی دارد و آن هم حجم بالای زباله‌هایی است که در سطح شهر رشت دیده می‌شود و جمع‌آوری نشده است. علتش هم البته مسدودبودن جاده سایت تخلیه سراوان است. همین مسئله موجب شده در خیابان‌های رشت در کنار حجم زیاد برف زباله‌های فراوانی هم دیده شود. نزدیکی سراوان به رشت و بسته‌بودن جاده‌اش این سؤال را ایجاد می‌کند که وضعیت جاده‌های مناطق کوهستانی و دورتر از مرکز در گیلان چگونه است؟ اسماعیل نجار در خلال صحبت‌هایش به موضوع جالبی هم اشاره کرده است. درحالی‌که بسیاری در این‌مدت این سؤال را مطرح می‌کردند که چرا با وجود هشدارها و پیش‌بینی‌ها، باز هم گیلان در شرایط بحرانی فرورفت، اسماعیل نجار مردم را در ایجاد این بحران‌ها مقصر دانسته و گفت: «هفت‌راه‌ای لازم نیز به وسیله رسانه‌ها به شهروندان داده شد و از چند روز قبل به شکل گسترده از مردم خواسته شد که از سفر به استان گیلان پرهیز کنند، اما متأسفانه شاهد آن بودیم که باز هم عده‌ای بدون توجه به هشدارها وارد جاده شده و در راه ماندند که البته امدادرسانی به این افراد انجام شد، اما برخی انتظار داشتند که آن‌بودیم که باز هم عده‌ای بدون توجه به هشدارها وارد جاده شده و در راه ماندند که البته امدادرسانی به این افراد انجام شد، اما برخی انتظار داشتند که شاهد کاهش جاده‌ها در ۱۰درصدی بوده‌جایی پیشرفت کرد و کاهش آسیب‌های اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی و روانی اختصاص می‌داد. تاملی در خصوص بودجه آسیب‌های اجتماعی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که نه تنها توجه به این موضوع اساسی بیشتر نشده است بلکه سواد کاهش حدود ۱۰درصدی بودجه پیشنهادی در این حوزه هم هستیم. طبق جداول لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کاهش ۱۷درصدی در بخش کودکان آسیب‌پذیر، ۱۲درصدی آسیب‌های اجتماعی، کاهش ۷۶درصدی برنامه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان، کاهش ۴۵درصدی برنامه حمایت از

شترت روزنامه

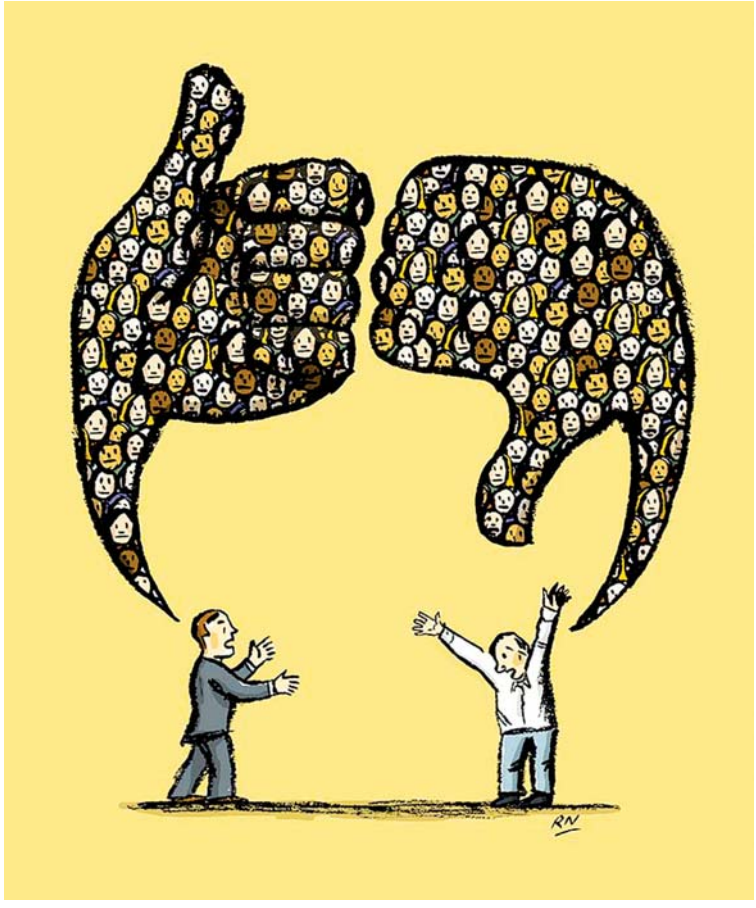
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۸ • ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ • ۱۶ فوریه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۴۸ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۰۵ • اذان صبح فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

ر ابرت نیویکر



تلنگر

هشدار درباره کاهش بودجه آسیب‌های اجتماعی

انجمن مددکاران اجتماعی ایران در نامه‌ای به علی لازبجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، درباره گسترش و تنوع آسیب‌های اجتماعی و کاهش سن افراد و کاهش بودجه در نظر گرفته‌شده در لایحه پیشنهادی دولت هشدار داده است. در این نامه که به امضای رئیس هیئت‌مدیره آن، سیدحسن موسوی‌چلک، رسیده، چنین آمده است: «یکی از نگرانی‌های جدی در کشور گسترش آسیب‌های اجتماعی و تنوع آنها و کاهش سن افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی و همین‌طور نگرانی از آسیب‌های اجتماعی نوپدید به‌ویژه تحت تأثیر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است به‌گونه‌ای که این وضعیت موجب شده جلسات مهمی با حضور مسئولان عالی‌نظام حدود ۲۰درصدی برای مستمری‌بگیران تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد هم با توجه به شرایط اقتصادی کشور که دوست و دشمن بر مناسب‌نبودن حال اقتصاد کشور صحه می‌گذارند هم گره‌ای از زندگی این افراد باز نخواهد کرد بلکه بار گرانی‌ها و تورم بیش از همه‌کم خمیده همین افراد را بیشتر خم خواهد کرد که بدون شک



از جمله جناب‌عالی برگزار شود و تحت تأثیر این جلسات لایحه برنامه ششم ارسالی توسط دولت در حوزه اجتماعی توسط مجلس شورای اسلامی مورد بازنگری اساسی قرار گرفته که نقطه عطف آن در این برنامه ماده ۸۰ است. گرچه در سایر اسناد بالادستی هم به این موضوع مهم توجه شده است. در چنین شرایطی که آسیب‌های اجتماعی سرمایه انسانی کشور ما را تحت تأثیر قرار داده است انتظار می‌رفت که دولت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ توجه بیشتری به منبع اختصاص داده‌شده برای برنامه‌های کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی و روانی اختصاص می‌داد. تاملی در خصوص بودجه آسیب‌های اجتماعی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که نه تنها توجه به این موضوع اساسی بیشتر نشده است بلکه سواد کاهش حدود ۱۰درصدی بودجه پیشنهادی در این حوزه هم هستیم. طبق جداول لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کاهش ۱۷درصدی در بخش کودکان آسیب‌پذیر، ۱۲درصدی آسیب‌های اجتماعی، کاهش ۷۶درصدی برنامه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان، کاهش ۴۵درصدی برنامه حمایت از توسعه کشور) است، نداریم.»

سامان راد: چند روز دیگر ۴۰ روز از حادثه‌ای که دی‌۹۸ را در ذهن‌ها با غم و اندوه ماندگار کرده، می‌گذرد. ۴۰ روز از حادثه‌ای که جان ۱۷۶ نفر از سرنشینان یک فروند هواپیمای مسافری به مقصد اوکراین را گرفت و تیری به قلب افکار عمومی در ایران هم شلیک کرد. اطلاع‌رسانی نادرست و اعلام‌نکردن علت سقوط هواپیمای تا چند روز بعد از آن به همراه اتفاقاتی که در مراسم خاک‌سپاری بسیاری از این جان‌باختگان رخ داد، موجب شد تا افکار عمومی در ایران با سؤال‌های فراوانی در این زمینه مواجه باشند که البته هنوز کسی برای پاسخ‌گویی به آن اقدام نکرده است. به جز کنفرانس خبری که سردار حاجی‌زاده، فرماندهی نیروی هوافضای سپاه روز ۲۱ دی و چهار روز بعد از حادثه برگزار کرد، دیگر گزارش درست و دقیقی از ابعاد این حادثه منتشر نشده است. در همان نشست هم سردار حاجی‌زاده دست‌کم به این موضوع اشاره کرد که از اعترافات پراتور سامانه موشکی که شلیک را انجام داده، فیلم‌هایی ضبط شده که پخش خواهد شد؛ اما تاکنون از آن هم خبری نشده است. صداسیمما که البته بد طولانی در ساخت مستند برای مسائل و موضوعات روز از زاویه دید خودش دارد، هم هنوز چیزی دراین‌باره پخش نکرده است. در میان همه این بی‌خبری‌ها چهلم درگذشتگان این حادثه هم در راه است و بسیاری درباره نحوه برگزاری مراسم درگذشتگان ابهام دارند. از آنجایی‌که بخش بزرگی از افکار عمومی در این حادثه آسیب دید، انتظار می‌رفت که مراسمی باشکوه و بزرگ برای گرامیداشت آن جان‌باختگان برگزار شود تا دست‌کم حرکتی در راستای تحکیم وحدت ملی باشد؛ اما روزهای بعد از اعلام علت سقوط، خیابان‌های تهران متفاوت بود و مردم سردرگم؛ مردم مستاصل و

زنانی که ناگهان در گوشه‌ای اشکشان سرازیر می‌شد. «محمدرضا تابش»، از نمایندگان مجلسی که در روزهای حادثه خواستار معرفی فوری و مجازات عاملان حادثه و مقصران به پیشگاه ملت شده بود، درباره ابعاد این حادثه و گزارش‌دادن حداقلی به خانواده‌قربانیان بعد از ۴۰ روز، به «شرق» می‌گوید: «همان‌طور که می‌دانید، از ابتدا ابعاد این حادثه مشخص نبود و همچنین در حرف مسئولان هم تناقض‌هایی وجود داشت که این تناقض‌ها منجر به سلب اعتماد عمومی در این ماجرا شد. بعد از آنکه مشخص شد هواپیمای به دلیل آسیبات موشک سقوط کرده، باز هم مسئله از بُعد نظامی بیشتر پیگیری شد و اطلاعات حول این حادثه بنا بر مسائلی با به دلیل بسته‌بودن دایره اطلاع‌رسانی‌ها در حوزه نظامی، در اختیار افکار عمومی قرار نگرفت. هنوز هم با گذشت ۴۰ روز از این حادثه، این نقیصه وجود دارد و بیشتر موضوع جنبه امنیتی پیدا کرده و اطلاع‌رسانی‌ها به مسئولان مربوطه به‌ویژه سپاه که مسئولیت کار را برعهده گرفت، محدود شد. این هم البته یک ضعف و خلأیی است که به دلیل قرارگرفتن این موضوع در دایره مسائل نظامی ورود به آن سخت است و اطلاعاتی در اختیار خانواده‌جان‌باختگان و افکار عمومی قرار نگرفته است. البته عذرخواهی خالصانه و از موضع تواضع فرمانده نیروی هوایی و فرمانده کل سپاه ستودنی است؛ چراکه ما چنین فرهنگی را در میان مسئولان کشور نداشتیم و از این نظر پذیرفتن اشتباه و عذرخواهی آنها ستودنی است؛ اما این عذرخواهی به‌تنهایی نمی‌تواند مرهمی باشد بر دل مردمی که در این حادثه داغدار شدند. همچنین این عذرخواهی به‌تنهایی برای افکار عمومی که در این حادثه سخت جریحه‌دار شدند، هم پذیرفتنی نیست.»

روایت

چهلم درگذشتگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی

در انتظار یک مراسم

تابش همچنین درباره اقدامات مجلس برای روشن‌شدن ابعاد این حادثه می‌گوید: «در ابتدای امر کمیسیون امنیت ملی مجلس در این زمینه جلساتی را برگزار کرده است. قاعدتا کمیسیون عمران مجلس هم باید این مسئله را بررسی کند؛ اما مجلس درحال‌حاضر به دلیل ایام انتخاباتی به مدت چند هفته‌ای تعطیل است و بعد از تعطیلات حتما این موضوع با جدیت پیگیری می‌شود.» تابش همچنین درباره احتمال برگزاری مراسم چهلم قربانیان این حادثه در حالت متفاوت از مراسم خاک‌سپاری‌شان، گفت: «برخورد با این حادثه برخورد مناسبی نبود. حتی اگر اشتباهی رخ داده و برای آن عذرخواهی هم انجام شده، باز باید برای اعلام همسنگی با خانواده‌ها و مردم کشور مراسم خاک‌سپاری بهتر و شایسته‌تری برگزار می‌شد. امیدوارم این کاستی‌ها در مراسم چهلم این عزیزان جبران شود و عزیزانی که نگرانی‌هایی هم دارند، بتوانند با فائق‌آمدن بر جوی که ممکن است پیامدهای امنیتی و سیاسی هم داشته باشد، برنامه‌ریزی لازم برای برگزاری چنین مراسمی را انجام دهند. مسئولان هم به اندازه کافی فرصت داشتند که تمهید مقدمات کنند تا ان‌شاءالله به شایستگی این مراسم برگزار شود تا ما در برابر مردم خجل و سرافکنده نباشیم. به‌رحال وقتی دولت کنشاده آن‌گونه و در آن ابعاد برخورد می‌کند و مسئولان کشورش در حد اعلا این حادثه را تسلیت می‌گویند، افکار عمومی از ما انتظار دارد تا برای شهروندان‌مان که در کشور خودمان دچار این حادثه شده‌اند، مراسم مقبولی برگزار کنیم. برگزاری مراسمی در حد اهمیت این ضایعه و فشاری که بر افکار عمومی در پی آن وارد شد، موجب تسلی خانواده‌ها و افکار عمومی مردم ایران می‌شود.»

مغز اجتماعی -۱۰۴-

انگل: جهانی استعاری در لایه‌های جامعه سرمایه‌داری نوین

کیم، آرام‌ش موقت برقرار می‌شود. در زمانی که در تاریکی شب اعضای خانواده کیم همچون حشرات روی فک اتاق‌ها می‌خزند، همچنان خانواده فرادست ساده‌لوح پارک از این ماجرا بی‌خبر می‌ماند. اما توفانی دیگر در راه است. در میان بارش باران موسمی، سه نفر از خانواده کیم، شبانه مجبور به فرار از خانه باشکوه و پناه‌بردن به آلوکک زیر کف زمین خود می‌شوند که در سیلاب و بالاآمدن فاضلاب باعث فرورفتن‌شان در لجن می‌شود. فقط مجسمه سنگی به وسیله پسر و مدال ورزشی از سوی پدر حفظ می‌شود، سهم دختر فرضی برای سیکارکشیدن در روی مستراح دم پنجره است که از آن کنابد و لجن بیرون می‌زند. پس از این شب کابوس‌گونه، همه افراد خانواده کیم به میهمانی غیرمنتظره جشن تولد پسر بزرگ خانواده پارک، به دور خیمه سرخ‌پوستی او در حیاتر صفای خانه دعوت می‌شوند. این مراسم سرخ‌پوستی در خانه استعارهای از نفوذ پلانتانغ نظام سرمایه‌داری حاکم آمریکایی و استعارهای از شرایط طنزآلود و تلخ انسان در جوامع پیرامونی وابسته به این نظام است. در سکانس‌های پایانی فیلم جدال دو خانواده فرودست در خانه لانه‌زنبده، به خشونت آشکار تبدیل می‌شود که از دو سو قربانی می‌گیرد. در این میان، خشم فروخته‌ناشی از تحقیر (یعنی اظهار اشمئزاز از بوی بدن خانواده کیم از طرف خانواده پارک) سر باز می‌کند و آقای پارک با ضربه چاقوی آقای کیم از پا در می‌آید. از آن به بعد است که بزرگ خانواده کیم خود را در سیاهچاله زیرزمین خانه اشرافی زندانی می‌کند تا از گزند قانون در امان بماند. دختر خانواده کشته می‌شود و پسر به علت ضربه و آسیب مغزی، دچار خنده‌های بی‌اختیار می‌شود؛ خنده‌هایی که با وضعیت بیش‌ازپیش رقت‌بار خانوادگی او عکس است. فیلم به طور استعاری بر جامعه‌ای مردسالار اشاره دارد؛ از جمله تاکید بر مهارت ردوبدل‌کردن رزم‌های از راه دور در هنگام اضطراب که بنا بر رسمی در فرهنگ سرخ‌پوستی آمریکایی، در آموزش پیشاهنگی به پسران آموخته می‌شود و این پسران هستند که باید رؤیای ژن‌رئومندشدن پدران را به واقعیت تبدیل کنند. این فیلم گزنده با طنزی تلخ و سیاه، ما را به طور آگاهانه و ملموس با جامعه طبقاتی ظالمانه، فردمحور و بی‌رحمی آشنا می‌کند که زندگی انگل‌صفقانه از مشخصات آن است. در این شرایط، پیروز نهایی، نظام سرمایه‌داری حاکم بر اوضاع است. فیلم انگل با استعارات تلخ و گزنده خود به ما پیشنهاد می‌دهد تا بهتر به دور و برمان نگاه کنیم.

مجسمه‌ای سنگی که به روایت فیلم، آکنده از استعاره است و شانس می‌آورد و در طول فیلم می‌بینیم پسر خانواده این سنگ را همه‌جا به دنبال خودش می‌کشد؛ چنان‌که گویی بخشی از وجودش شده باشد. سنگ با نقش‌های ظریف و پراستعاراش برای او خود زندگی است. گاه شانس به ارمغان می‌آورد و گاه سرد و دشن می‌شود و زندگی‌اش را به خطر می‌اندازد. دوست پسر خانواده، او را به‌عنوان معلم انگلیسی به خانواده ژن‌رئومند پارک قالب می‌کند. پسر که فرصت را مناسب می‌بیند و خانم پارک را ساده و خوش‌قلب می‌یابد، با نقشه‌ای حساب‌شده اعضای خانواده خود را به استخدام خانواده پارک در می‌آورد. نقطه عطف این نقشه‌ها زمانی است که خدمتکار خانه از کار بی‌گاری می‌شود و مادر خانواده کیم جی‌ای او را می‌گیرد. در یک عصر، احتمالاً بهاری، خانواده ژن‌رئومند پارک تصمیم می‌گیرند برای پسر کوچک بیش‌فعال و احتمالاً دچار صرع با حملات ناگاهی موقت ناشی از آسیب مغزی که به روایت مادرش، نابغه کوچولو خانواده و مرکز توجه است، در بیرون از خانه جشن بگیرند. در نبود اعضای خانواده اشرافی در خانه، زیرزمین‌نشینان عصری را به عیش و نوش و درازکشیدن زیر آفتاب و دیدن آسمان می‌گذرانند؛ چیزی که در خانه زیرزمینی‌شان از آن بی‌بهره‌اند. گرچه باران شاید هشدار می‌دهد این خوشی به درازا نخواهد کشید. خدمتکار قبلی خانه در میانه عیش و نوش خانواده کیم سرزده برای برداشتن چیزی از زیرزمین به خانه برمی‌گردد. اما راز او رو می‌شود و ما شوهرش را می‌بینیم که برای فرار از دست طلبکاران و زندان با لانه‌زنبده در زیرزمین پریچ‌وخم سیاهچال‌مانند از نظر پنهان، به مدت بیش از چهار سال به ارتزاق شبانه انگل‌وار در خانه مشغول بوده است. مرد سیاهچال‌نشین فرودست، فقط یک بار به صورت روح سرخ‌پوستی به پسر بیمار خانواده پارک، در شب تولدش در برابر او ظاهر شده است، ولی عینیت این روح سرگردان انگل‌واره همیشه از نظر بقیه اعضای خانواده پارک مخفی مانده است. او به‌ظاهر فقط از اینکه نفس می‌کشد و غذایی برای خوردن دارد، خوشحال است و با روشن و خاموش‌کردن چراغ‌های خانه به زبان مورس که از پیشاهنگی آموخته است، هر روز به ارباب خانه ادای احترام می‌کند. مرد استعاری از تن‌های اسیر در زندان‌های خاموش در دنیای مدرن است. زمانی که راز هر دو خانواده فقیر رو می‌شود، در درگیری‌ای شبانه دور از چشم خانواده فرادست، شاهد جدال انحصارطلبانه و خشونت‌بار آنها می‌شویم. در این جدال، گواشی موبایل به طور استعاری وسیله تهدید و ارعاب می‌شود. با پیروزی نسبی اما شکننده خانواده



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

فیلم «انگل» ساخته یونگ - جو، هو از کره جنوبی، امسال نه‌فقط جایزه فستیوال کن در فرانسه را به دست آورد، بلکه برای اولین بار در تاریخ اسکار، جایزه اصلی بهترین فیلم را نیز کسب کرد زیرا طبق سنت برتری جوانانه تاکنون معمول در اسکار، هیچ فیلم غیرانگلیسی‌زبانی لایق کسب این افتخار تشخیص داده نمی‌شد. این فیلم به‌ظاهر سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز که مرز ژانرها را در هم می‌ریزد و گیشه‌های فروش در دنیا را تسخیر می‌کند، لبریز از مفاهیم استعاری بدینند در جامعه‌ای با حاکمیت نظام طبقاتی سرمایه‌داری است؛ جامعه‌ای که در آن، خانواده‌های فرادست و فرودست در ظاهر منفک از یکدیگر زندگی می‌کنند، اما فیلم‌ساز موفق می‌شود با خلق جهانی استعاری و بدیع، ماهیت بهره‌وری انگل‌وار هر دو طبقه از یکدیگر را با ظرافتی تمام تصویر کند. فیلم با نگاهی به‌ظاهر معمول به معرفی خانواده چهارنفره کیم، ساکن یکی از زیرزمین‌های محله‌ای فقیرنشین در سئول، شروع می‌شود. در ابتدای فیلم، فرزندان خانواده را می‌بینیم که با ظاهری ژولیده در حالی که گواشی‌های موبایل نسبتاً مدرنی در دست دارند، برای استفاده دزدکی از اینترنت همسایه نهایی فضای گوشه بالای مستراح آلوکک را پیدا می‌کنند که تا به جهان مجازی اتصال پیدا کند و به درخواست کاری موقت جواب مثبت دهند. فیلم‌ساز در همین ابتدا حواس ما را به مستراح آلوکک در ربع طبقه بالایی آلوکک مجاور پنجره به عنوان استعاره‌ای از شرایط جلب می‌کند. پس از این، در صحنه‌ای، به پدر معرفی می‌شویم که حین خوردن تکه‌نانی، در حال مقابله با سوسک است. پدر خانواده با آنکه در مشاغل زیادی بوده است اما دست آخر بی‌کار مانده و توانایی اداره خانواده خود را ندارد. او حتی توانایی درست تازدن یک جعبه پیترزا را ندارد و گاهی وقتی سعی دارد برای ادای احترام از سر میز بلند شود، مدام سرش به کابینت برخورد می‌کند. پدر استعارهای از دست‌وپازدن‌های بیهوده برای دوام‌آوردن در جامعه سرمایه‌داری امروز است و فیلم‌ساز از ابتدا با ظرافت به ما نشان می‌دهد که برای به‌دست‌آوردن زندگی بهتر، همه تیرهای این مرد به سنگ خورده است. سنگ، استعاره آشنای دیگری در فیلم انگل است. دوست پسر خانواده، در اوایل فیلم وقتی به دیدار خانواده کیم می‌آید، به عنوان هدیه سنگی خوش‌تراش را از طرف پدربزرگش برای خانواده می‌آورد؛

مهاجرت‌دوچاره

کمیسارهای عالی پناهندگان گزارشی از یثرب درباره بازگشت عراقی‌هایی که با حضور داعش مجبور به ترک زمین، مزرعه و وطن خود شده‌اند، منتشر کرده و یثرب‌زبان و مردان زحمتی جامنده از جنگ گفت‌وگو کرده است. آنان اکنون به مزاح خود بازگشته‌اند و خوشحال از رویش دوباره گیاهان هستند. اما ایس روزها نگرانی درباره وضعیت مهاجران و پناه‌جویان افزایش یافته و کمیسارهای عالی پناهندگان در این زمینه ابراز نگرانی کرده است. طبق گزارش این سازمان از میان ۱۰۴ میلیون پناهنده در سراسر جهان که پیش‌بینی می‌شود نیاز فوری

زیر آسمان جهان

گذشته بیشترین تعداد درخواست و حرکت برای مهاجرت به ایالات متحده و به دنبال آن کانادا، انگلستان، سوئد و آلمان بوده است. از میان آنها حدود ۶۳ هزار پناهنده اسکان داده شده‌اند که بیشترین تعداد آنها از سوریه، جمهوری موزکاتیک کنگو و میانمار بودند. افزایش فرصت‌های اسکان مجدد پناهندگان و سایر مسیرهای مکمل برای پذیرش، از جمله از طریق پیوستن به خانواده، کار و تحصیل، یکی از اهداف اصلی توافق جهانی در مورد پناهندگان است. این یک راه ملموس برای دولت‌ها برای به‌اشتراک‌گذاشتن مسئولیت و نشان‌دادن همبستگی با کشورهای میزبان حامی جمعیت بزرگ پناهندگان است.

زیر آسمان جهان